

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

9 NVS



دانشگاه علوم اسلامی رضوی

بررسی تفاوت‌های دیه (زن و مرد، مسلمان و کافر) و نقش زمان و مکان در آن

(پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد)

استاد راهنما:

آیت الله محمد هادی معرفت

استاد مشاور:

دکتر حسین مهرپور

نگارش:

سید حسن چراغی

۲۵ / ۱۶ / ۱۳۸۶

۹۰۸۷۵

کتابخانه اطلاع‌رسانی و اسناد
دانشگاه علوم اسلامی رضوی

تاییدیه اعضای هیئت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی

ارشد اعضاء هیئت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای سید حسن چراغی

تحت عنوان: بررسی تفاوت‌های دیده زن و مرد، مسلمان و کافر و نقش زمان

و مکان در آن

را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه

کارشناسی ارشد پیشنهاد می کنند.

اعضاء هیئت داوران:

۱. استاد راهنما

۲. استاد مشاور

۳. استاد ناظر

۴. استاد ناظر

۵. نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

تقدیم به:

آنان که صمیمانه برای ارج نهادن به کرامت انسانی تلاش می کنند.

نگارنده بر خود لازم می‌داند از حضرت آیت الله معرفت (استاد محترم
راهنما)، جناب آقای دکتر حسین مهرپور (استاد محترم مشاور) و استاد
محترم داور صمیمانه تشکر و قدردانی نماید.

چکیده پایان نامه تحصیلی دوره تحصیلات تکمیلی

نام خانوادگی دانشجو: چراغی	نام: سید حسن
استاد راهنما: آیت ا... محمد هادی معرفت	استاد مشاور: دکتر حسین مهرپور
رشته: حقوق جزا و جرم شناسی	تاریخ دفاع: ۸۵/۱۱/۲۷
عنوان پایان نامه: بررسی تفاوت های دیه (زن و مرد و مسلمان و کافر) و نقش زمان و مکان در آن	
تعداد صفحات: ۱۵۸	

مسئله نابرابری دیه زن و مرد مسلمان و کافر یکی از مسائلی است که همواره باعث شده است تا مدافعان حقوق بشری فقر اسلامی را مورد انتقاد قرار دهند. قوانین اسلام ضمن توجه و نگرش یکسان به ابعاد روحانی انسان، بنابر شرایط مکانی و زمانی خاص نوعی تفاوت را از حیث دیه میان افراد انسانی به ویژه زن و مرد را به رسمیت شناخته است. تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جوامع و پیدایش پدیده دولت و سازمان های بین المللی و پیدایش ظرفیت ها و تغییرات و تحولات عمده ای که در عرصه بین المللی صورت گرفته، بحث قواعد آمره حقوق بین الملل بشر و توجه خاص قوانین به فرد انسانی فارغ از خصایص جنس و رنگ و مذهب و زیستن در جامعه بین الملل و در نهایت مصلحت ایجاب می کند که نسبت به تعدیل قوانین موجود در خصوص دیه افراد انسانی و رفع نابرابری در پاره ای از موارد اقدام نمود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضمن توجه همزمان به مسئله مطابقت قوانین و مقررات با شرع مقدس اسلام به دولت اجازه داده است تا با دیگر قوانین و مقررات بین المللی در تعامل باشد.

دستورسوی به این مدرک بر پایه آیین نامه ثبت و اشاعه پیشنهادها، پایان نامه ها، و رساله های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیداوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۱۹۵۹۲۹/۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیداوران و تنها برای هدف های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایه قانون حمایت از مولفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۶۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۷	فصل اول: پیشینه تاریخی دیه و جایگاه آن در فقه
۸	بخش اول: پیشینه تاریخی دیه
۱۱	گفتار اول: دیه در قانونگذارهای شرقی
۱۲	مبحث اول: مجموعه قوانین میزویوتامی بابلی
۱۲	بند اول: دیه در قانون اورنامو
۱۳	بند دوم: دیه در قانون بالالاما
۱۴	بند سوم: دیه در قانون حمورابی
۱۵	مبحث دوم: قانون آشور
۱۶	مبحث سوم: دیه در قانون فرعون
۱۶	مبحث چهارم: دیه در جامعه عرب پیش از اسلام
۱۷	گفتار دوم: دیه در قانونگذارهای کهن غربی
۱۷	مبحث اول: دیه در قانونگذاری یونان باستان
۱۸	مبحث دوم: دیه در قانون روم
۲۰	مبحث سوم: دیه نزد قبایل آنگلو ساکسون
۲۱	گفتار سوم: دیه در تورات و انجیل
۲۱	مبحث اول: دیه در تورات
۲۲	مبحث دوم: دیه در انجیل
۲۴	بخش دوم: مفهوم و ماهیت حقوقی دیه

- ۲۴..... گفتار اول: مفهوم دیه در لغت و اصطلاح
- ۲۵..... مبحث اول: مفهوم لغوی
- ۲۶..... مبحث دوم: مفهوم اصطلاحی
- ۲۶..... بند اول: مفهوم دیه از نظر فقها
- ۲۶..... الف) مفهوم دیه در فقه امامیه
- ۲۸..... ب) مفهوم دیه در سایر مذاهب اسلامی
- ۲۹..... بند دوم: مفهوم دیه در قانون مجازات اسلامی
- ۳۰..... گفتار دوم: ماهیت حقوقی دیه
- ۳۰..... مبحث اول: دیدگاه حقوقدانان در مورد ماهیت حقوقی دیه
- ۳۱..... بند اول: ماهیت کیفری دیه
- ۳۲..... بند دوم: ماهیت جبرانی دیه
- ۳۳..... بند سوم: ماهیت دو گانه دیه
- ۳۵..... مبحث دوم: ماهیت دیه از دید فقها
- ۳۶..... بخش سوم: دیه زن و مرد: بررسی تفاوتها
- ۳۷..... گفتار اول: تفاوتهای دیه زن و مرد
- ۳۹..... مبحث اول: بررسی تفاوتهای دیه زن و مرد در فقه و مبنای آن
- ۴۷..... مبحث دوم: بررسی موضوع در قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران
- ۵۰..... مبحث سوم: بررسی موضوع از منظر حقوق بشر
- ۵۴..... بخش چهارم: بررسی تفاوتهای دیه مسلمان و کافر
- ۵۵..... گفتار اول: مفهوم غیر مسلمان و جایگاه آن در فقه
- ۵۶..... گفتار دوم: تفاوت دیه مسلمان و کافر
- ۵۹..... گفتار سوم: بررسی رویکرد قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران

فصل دوم: تاثیر زمان و مکان بر قوانین و کیفری اسلامی	۶۳
بخش اول: مفهوم زمان و مکان	۶۳
گفتار اول: مفهوم عام زمان و مکان	۶۴
گفتار دوم: زمان و مکان در اصطلاح فقه	۶۵
بخش دوم: مفهوم تاثیر گذاری زمان و مکان	۷۰
گفتار اول: متعلق تاثیر گذاری	۷۱
مبحث اول: حکم، موضوع و مصادیق آن	۷۱
مبحث دوم: متعلق حکم، ملاک و مناط آن و نفس حکم شرعی	۷۲
گفتار دوم: تقسیمات احکام شرعی	۷۴
مبحث اول: احکام امضایی و تاسیسی	۷۴
مبحث دوم: احکام اولی و ثانوی	۷۷
بند اول: رابطه احکام اولیه و احکام ثانویه	۷۸
بند دوم: وجوه تقدم ادله احکام ثانویه بر ادله احکام اولیه	۷۹
۱. تعارض	۷۹
۲. ورود	۸۰
۳. حکومت	۸۱
۴. مناط تقدیم دلیل حاکم بر دلیل محکوم	۸۱
۵. حکومت ادله حکم ثانوی بر حکم اولیه	۸۳
۶. تراحم	۸۴
مبحث سوم: احکام ثابت و متغیر	۶۸
بند اول: مفهوم ثبات و تغیر	۸۷
بند دوم: معیار و عوامل تغییر پذیری احکام	۹۰
الف - تغییر موضوعات احکام	۹۰

ب - تغییر عنوان موضوع احکام	۹۱
ج - تأثیر احکام ولایی یا حکومتی	۹۲
د - تغییر ارزشها	۹۳
هـ - عرفی بودن موضوع حکم	۹۳
و - کلی بودن قواعد	۹۳
ز - تفاوت در استنباط	۹۴
ح - جهت صدور نصوص	۹۵
مبحث چهارم: احکام مولوی و ارشادی	۹۶
مبحث پنجم: احکام ظاهری و واقعی	۹۷
مبحث ششم: احکام واقعی اولی و ثانوی	۹۸
بند اول: حکم واقعی اولی	۹۸
بند دوم: حکم واقعی ثانوی	۹۹
مبحث هفتم: احکام خصوصی و عمومی	۹۹
مبحث هشتم: احکام عبادی و معاملی	۱۰۱
مبحث نهم: احکام ماهوی و احکام شکلی	۱۰۳
بخش سوم: شیوه‌های تأثیرگذاری زمان و مکان	۱۰۴
گفتار اول: احکام حکومتی و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی	۱۰۴
مبحث اول: ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و گستره اختیارات آن	۱۰۴
مبحث دوم: خصوصیات احکام حکومتی	۱۰۶
گفتار دوم: احکام ثانوی	۱۰۷
گفتار سوم: فتاوا و احکام ظاهری	۱۱۰
گفتار چهارم: ملاکهای احکام	۱۱۰
گفتار پنجم: موضوعات احکام	۱۱۲

- گفتار ششم: عرف و بناء عقلاء ۱۱۲
- مبحث اول: مفهوم عرف ۱۱۲
- بند اول: عرف در اصطلاح فقه و اصول ۱۱۳
- بند دوم: کاربرد عرف ۱۱۶
- الف) عرف و مساله اصولی ۱۱۶
- ب) کاربرد عرف در استنباط ۱۱۶
- ج) قلمرو دلالت عرف ۱۱۷
- مبحث دوم: عقل و بناء عقلاء و انواع عرف عقلاء از نظر حجیت ۱۲۰
- بخش چهارم: بررسی اثر زمان و مکان در تحول قواعد و مقررات راجع به دیه (زن و مرد و مسلمان و کافر) ۱۲۱
- گفتار نخست: بررسی اثر زمان و مکان بر قواعد فقه در مورد دیه زن و مرد و مسلمان و کافر ۱۲۱
- مبحث اول: چگونگی تاثیر مقتضیات زمان بر احکام مستنبطه کیفری ۱۲۶
- مبحث دوم: چگونگی تاثیر مقتضیات زمان و مکان بر احکام حکومتی کیفری ۱۳۳
- مبحث سوم: چگونگی تاثیر مقتضیات زمان و مکان بر احکام قضایی کیفری ۱۳۶
- گفتار دوم: تحول در قانون مجازات اسلامی ۱۳۸
- نتیجه‌گیری ۱۴۷
- کتابشناسی ۱۵۱

مقدمه

زندگی از زمانی که در این کره خاکی آغاز گردید، مراحل مختلفی را گذرانیده و در هر مرحله‌ای از مراحل زندگی با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی و از نظر مالی، اجتماعی و سیاسی روش خاصی را دارا بوده است و به هر اندازه زندگی بشر و شکل ساده به شکل پیچیده‌تر در می‌آید تمام و بیشتر معیارها و مشخصه‌های زندگی وی تغییر می‌کرده است و این تغییرها و دگرگونیها همچنان ادامه داشته و خواهد داشت. ما وقتی تاریخ زندگی مردم را در عربستان ورق می‌زنیم می‌بینیم که اساس و پایه دارایی آنها را اموالی از قبیل شتر، گاو، گوسفند و سایر حیوانات تشکیل می‌داد و مسائل اقتصادی آنان بر همان اموال پی‌ریزی می‌گردید و بر این پایه و اساس بوده که خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: و الخیل و البغال و الحمیر لتركبوها و زین و یخلق ما لا تعلمون و یا آنکه می‌فرماید و تحمل اثقالکم الی بلد لم تکنوا بالغیه الا بشق الانفس و یا آنکه می‌فرماید: و الانعام خلقها لکم فیها دف و منافع و منها تاکلون. و در دین مبین اسلام یک بخش مهم از زکات را به زکات انعام و حیوانات سه گانه گاو و گوسفند و شتر اختصاص داده و برای هر کدام نسلهای خاصی در نظر گرفته است و بر همین پایه و اساس در درهم و دینار زکات قرار داده است که همچنان تا به حال به جای خود باقی مانده و یا در اموال مذکور در پرداخت دیه جنایت‌های عمدی شبه عمدی خطای محض مورد توجه قرار گرفته‌اند و این امر بخاطر آن نبوده که شارع مقدس نظر خاصی نسبت به اموال مذکور داشته بلکه به خاطر این بوده که بیشتر اموال و دارائی مردم را در آن سرزمین تشکیل می‌داده‌اند کما اینکه در قوانین روم و حمورابی نیز دیه وجود داشته است و در اثر عدم توجه به این نکته بیشتر فقها چنین می‌اندیشند که امور مذکور موضوعیت داشته و حکم دیه برای همیشه دائر مدار همان اموالی است که در زمان شارع مقدس وجود داشته‌اند و در اثر همین طرز فکر حقوقدانان و قانونگذاران عرفی که به تردید به این نوع مسائل می‌نگرند و طرح چنین موضوعاتی را به دلیل عدم انطباق با نظام حقوقی معاصر صحیح نمی‌دانند.

متأسفانه دست اندرکاران تدوین قوانین جزائی بدون تعمق و تدبر در هماهنگی و یا عدم هماهنگی آنها با ساخت نظام حقوقی معاصر، انواع دیات ششگانه را در قوانین جزائی، مطرح ساختند و به نکته‌ای که گفته شد توجه نکردند.^۱

قرآن کریم فرمان می‌دهد یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم ... الخ متضمن تغییر تازه و بدیعی بود که اسلام به جامعه عرضه کرد و آن عبارت بود از تشکیل و تاسیس منبع موثقی که قدرت تشریح قانون گذاری داشت.

هنگامی که پیامبر (ص) در مدینه جامعه اسلامی را تاسیس کرد، بسیاری از قبائل عرب به پیامبر اسلام ایمان آوردند و او را به عنوان فرستاده خدا قبول کردند وضع اجتماعی پیغمبر اسلام بتدریج بعنوان یک مقام عالی قانون گذاری و تشریح تثبیت گردید. در اینکه آیا خداوند مرجع قانونگذاری و تشریح است یا رسول او باید گفت: اهل لغت شارع را بمعنای راه راست و راه وسیع و معبر بدون بن بست دانسته اند اما این لفظ بوسیله اهل شرع از معنای لغوی خود به معنای عرفی (قانونگذار) نقل گردیده که اصطلاحاً آن را منقول عرفی گویند و سپس شارع به عنوان صفت فاعلی و به مفهوم قانونگذار یکی از القاب پیامبر اسلام شناخته شد. بنابراین اگر نصوص قرآن را بمنزله قانون اساسی اسلام فرض کنیم و سپس تفسیرهای پیامبر را بر این نصوص که خود جنبه قانونی دارند از یک سو و سنن نبوی را که قول و فعل و تقریر اوست و برای ملت اسلام حجت قانونی است از سوی دیگر بمنزله قوانین لازم الاجرا بدانیم این نتیجه حاصل می‌شود که هم خداوند قانونگذار است و هم رسول او.^۲

دانشمندان علم اصول می‌گویند سنت نبوی در مقام استنباط احکام مانند کتاب خدا مورد استناد است و میان آنها فرقی نیست مگر آاز این لحاظ که به عقیده ملت اسلام قرآن قطعی السند و سنت ظنی السند است، اما این ظنی بودن سنت، چیزی را از قدرت قانونی آن نمی‌کاهد بلکه چون سنت

۱- سید محمد حسن مرعشی، *بعضی تاریخی اقتصادی فقهی درباره دیات ششگانه*، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۷، ۱۳۷۲، ص ۱.

۲- دکتر محمود حیدریان، *سیر تکوینی حقوق اسلامی*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱۲، ۱۳۵۱، ص ۸.

از راه خبز به ما رسیده و خبر هم چنانکه در شان آن است دلالت ظنی دارد از این جهت وجه تمایز نصوص کتاب و سنن نبوی در قطعی الدلاله بودن یکی^۱ و ظنی الدلاله بودن دیگری است.

مشیت الهی از طریق وحی بوسیله پیامبر ابلاغ می‌شد و رفته رفته احکام قرآن از جهات مختلف جانشین قوانین مرسوم قبیله‌ای می‌گردید و عرف و عادات دوران جاهلی را غالباً منسوخ و ملغی می‌نمود. چنانکه یادآور شدیم قانونگذاری در اسلام مخصوص خداوند و پیامبر اوست. اصول قوانین اسلامی در زمان حیات پیغمبر وضع شد و اغلب به تناسب اوضاع و احوال و مقتضیات زمانی و مکانی که اتفاق می‌افتاد قوانین وضع می‌گردید و پس از رحلت پیغمبر اسلام، قانونگذاری نیز متوقف شد.

در مکه پیامبر اسلام در حدود سیزده سال به دعوت مردم به دین اسلام پرداخت. هدف عمده وی در این مدت منحصر به دعوت دینی و ارشاد خلق به پرستش خدای یکتا و ترک بت پرستی و اعتقاد به روز واپسین و انگیزش پس از مرگ و ایمان به حساب در آن روز و ارشاد به مکارم اخلاق و توصیف خداوند به آثارش در طبیعت و احوال امتهای سلف و داستان پیامبران و مبارزه با خدایان باطل و سخریه زدن به ناتوانی آنان و اموری از این قبیل بود آنگاه بوصف نعیم دائم برای پرهیزکاران و فرمانبران و عذاب الیم در جهنم برای گناهکاران و مشرکان پرداخت.

در مکه آن طور که انتظار می‌رفت نتیجه مطلوب حاصل نشد و قبیله قریش به پیامبر نپیوستند و جز عده معدودی ایمان نیاوردند. از قبائل و طبقات اشراف نیز تعداد کمی به او گرویدند. قبل از اسلام مدینه معرکه ستیزه‌گری بین دو قبیله اوس و خزرج بود و بدین سبب در مدینه وضع نابهنجار و هرج و مرج وجود داشت. از این رو، پیامبر تصمیم گرفت تا به مدینه هجرت نماید. با ورود پیامبر مردم با وی بیعت کردند و تسلیم افکار او شدند. مردم مدینه را طبقه کشاورزان تشکیل می‌دادند و دعوت پیامبر را زودتر از مردم مکه که تاجر پیشه بودند، پذیرفتند و به همین دلیل می‌بینیم که انگیزه قبول دین اسلام در مردم مدینه بیش از مردم مکه بود.

۱- البته قرآن می‌تواند ظنی الدلاله نیز باشد.

تطور دعوت به موازات گسترش دین اسلام حیات سیاسی و اجتماعی جامعه نیز نیاز به گسترش داشت. لذا پیامبر اسلام می‌بایست اساس سیاسی و اجتماعی و تشریحی جدیدی برای این ملت وضع می‌نمود.

با وجود تاسیس قوانین اسلامی، اعرابی که مسلمان می‌شدند به همان عادات اولیه زندگی می‌کردند پیغمبر نیز نمی‌خواست این عادات را یک دفعه نقض کند. بلکه غرض پیغمبر این بود که مردم را به دین اسلام دعوت نماید تا نخست آنان به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند و آنگاه در پرتو این آیین جدید، شروع به دگرگون ساختن امور و عادات کنند تا اینکه آن عادات با دین و مبادی آن متناسب گردد و به هر اندازه که دایره تعالیم جدید وسعت می‌یافت به همان اندازه احتیاج شدیدی به تغییر حیات اجتماعی بر وفق و هماهنگی با آن پیدا می‌شد.

تأسیس امت اسلامی مهاجران که با پیامبر به مدینه هجرت کردند با این عمل ارتباط خویش را با قبائل خود از دست دادند و ارتباط تازه ای که با اهل مدینه گرفتند چنان نبود که خلا موجود یعنی جای ارتباط از دست رفته آنان را پر کند از طرف دیگر خود مردم مدینه از گروه‌های مخالفی تشکیل می‌شدند که اختلاف خود را همچنان به امت جدید انتقال دادند.

پیامبر در میان دو امر مخالف قرار داشت یکی اینکه امت را به همان حالت تعصب قبیله‌ای واگذارد و دیگر آنکه نظام پیشین را از میان بردارد و به امت مجالی دهد که از عوامل اختلاف در امان باشد. پیامبر احساس می‌کرد که برای امت جدید امکان ندارد که یکباره از این عصیت دوری گزیند و از این منازعات و مبارزات دست بر نمی‌دارد مگر هنگامی که ارتباط خون و نسب را کنار بگذارد و جای آن را با رابطه‌ای جدید پر کند. بدین جهت رسول اکرم به جای اصل خون و اهمیت و اعتبار آن، ایمان بخدای تعالی را جانشین آن کرد و امت جدید را در مدینه بر اساس دین تاسیس نمود و خدای تعالی بر آن مهیمن بود و نماینده آن در روی زمین رسول خدا بود که او را تبلیغ می‌کرد و به ارشاد خلق می‌پرداخت.

قواعدی دینی یا دنیوی نیز از جانب رسول خدا تشریح می‌شد. این قواعد بی‌آنکه میان طبقات مختلف تفاوت یا ترجیحی قائل شود همه مردم را در بر می‌گرفت. وحی الهی تنها جنبه عبادی و

مذهبی محض نداشت بلکه همه شئون زندگی افراد را خواه در زمینه عبادات و معاملات و خواه در مسائل سیاسی و اداره امت اسلامی شامل می شد و پیغمبر اسلام موسس دولتی سیاسی با صبغه دینی بود. در اسلام دین و سیاست به هم آمیخته است و بدین جهت عقیده و شریعت و مقررات مربوطه به نظام اجتماعی عناصر اساسی اسلام را تشکیل می دهد.

احکام قرآن هر چند ظاهراً متوجه مشکلات فردی بود لیکن همگی قوانین عام و معتبر ماخوذ است به طوری که در قضایا سرایت داده می شود و قواعد حقوقی ایجاد می نماید. از جمله این مسائل مواردی است که مربوط به تشریفات خاص و مخصوص شخص پیامبر است مانند مساله فرزند خواندگی و شیر خواری (رضاع) که اگر چه ظاهراً تشریح فردی بود اما بصورت تشریح عام و قانون همگانی درآمد. البته ذکر این نکته هم لازم است که بسیاری از احکام اساساً جنبه اجتماعی دارد و در قرآن به مفاسد اجتماعی آن تصریح شده است، مانند ربا، غیبت و امثال آن.

مساله ای که نگارنده در این نوشتار به بررسی آن خواهد پرداخت و حقیقتاً امروزه یکی از مسایل دامنگیر جامعه اسلامی است عبارت است از بحث تاثیر زمان و مکان بر دیه مرد و زن و مسلمان و کافر. اصولاً احکام اسلام احکام زمان هستند. به این صورت که این احکام در هر زمانی قابلیت اعمال و اجرا را دارند. در خصوص قواعد راجع به دیه باید گفت امروزه مقتضیات زمانی و مکانی عوض شده است و چیزی غیر از آن خواسته ابتدایی را طلب می کند. از این رو عدول از موضع اولیه لازم و ضروری می باشد. امروزه گسترش ارتباطات، پیدایش پدیده دولت، بروز، رشد و توسعه حقوق بین الملل، تحول در نوع نگرش به انسان و پیدایش بحث حقوق بشر، زیستن در جامعه بین المللی و مسایلی از این قبیل حکومت اسلامی را وا می دارد تا برای ادامه زیست خود و در عین حال پایبندی به اهداف و اصول خویش بتواند در برخی از مقررات تجدیدنظر نماید. همچنانکه برای نمونه در خصوص برابری دیه مسلمان و اقلیتهای دینی این گام مهم برداشته شد، در مورد دیه زنان و کافران نیز در میان خود فقها هستند کسانی که قایل به برابری هستند. بنابراین این امر خود نشان دهنده این است که این موضوع تاب تحول را دارد و به اهداف و اصول اسلام هیچ لطمه ای وارد نمی سازد. اما انتظار می رود تا دولت این نظرات سازنده و انساندوستانه را به صورت قانون در آورد.

نگارنده مطالب خود را در دو فصل به شرح زیر ارایه کرده است:

فصل اول: پیشینه تاریخی دیه و جایگاه آن در فقه و فصل دوم: تاثیرات زمان و مکان بر قوانین

کیفری اسلامی.

در پایان نگارنده بر خورد لازم می‌داند تا از راهنمایی‌های عالمانه حضرت آیت الله معرفت (استاد

محترم راهنما) و جناب آقای دکتر حسین مهرپور (استاد مشاور) صمیمانه تشکر و قدردانی نماید.

فصل اول: پیشینه تاریخی دیه و جایگاه آن در فقه

در این فصل نگارنده بر آن است تا ضمن بیان پیشینه تاریخی دیه (بخش اول)، در ادامه به بررسی مفهوم و ماهیت حقوقی دیه (بخش دوم)، بررسی تفاوت‌های دیه زن و مرد (بخش سوم) و بررسی تفاوت‌های دیه مسلمان و کافر (بخش چهارم) بپردازد.

بخش اول:

پیشینه تاریخی دیه

از نخستین مراحل بروز زیست اجتماعی انسان، زیانها و خسارات جسمی و روحی و روش جبران آن مورد توجه و عنایت بوده است. در ابتدا، واکنش آدمی در برابر جنایت‌هایی که علیه جان یا عضو آن یا کسان و بستگان وی وارد می آمد، تنها به صورت انتقام فردی یا کشتارهای جمعی نمایان می شد. این واکنش، تا قبل از آشنایی بشر با مفهوم مالکیت، تنها مجازات ممکن قلمداد می شد.^۱ از این رو، می توان گفت بشر تا پیش از آن که با مفهوم مالکیت آشنا شود، انتقام را تنها مجازاتی می دانست که می توانست اعمال نماید.

به طور کلی، در عصر توحش و آذوقه برگرفتن از زمین، نظام دیه وجود نداشت. در آن عصر مردم برای تامین معاش خود به چیزهایی وابسته بودند که طبیعت به آنها می بخشید. انسان آن دوره، مالکیت را نمی شناخت و هیچ چیز ارزشمندی نداشت که مجنی علیه به سوی آن برانگیخته شود، تا از انتقام و خون‌خواهی، که تنها کیفر آن دوران بود، منصرف گردد. به تدریج انسان یاد گرفت که باید به دنبال جایگزینی برای انتقام باشد، چرا که انتقام گرفتن موجب از بین رفتن افراد می گردید. از این رو بود که به سیستمی روی آورد که بر مبنای پرداخت عوض مالی برای جبران جنایت استوار بود و از آن میان قوم عرب، عبارت «دیه» را برای این عوض مالی انتخاب کرد.^۲

۱- محمد عارفی مسکونی، ماهیت حقوقی دیه و تحلیل و میزان و نوع آن، تهران، انتشارات دانشور، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۲۱.

۲- دکتر عوض احمد ادریس، دیه، ترجمه دکتر علیرضا فیض، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۷،

به طور کلی می‌توان گفت شناخت جوامع ابتدایی از نظام دیه، به آغاز عصر کشاورزی و آغاز مالکیت چیزهای با ارزش بر می‌گردد. از آن هنگام برای آنان ممکن گردید که نزاعهای میان خود را از راه پرداخت عوضی برای جبران ضرر که نام آن دیه گردید، تسویه و حل و فصل نمایند. دیه به عنوان جزای عمل وارد کننده خسارت و به جای انتقام گرفتن از جانی چندین مرحله تکوینی را پشت سر گذرانید تا این که شریعت اسلام آن را امضا و تقریر نمود و از این رهگذر توانست نوع شایسته و مفید خود را به صورت نهایی متجلی نماید. در واقع می‌توان در این جا دو مرحله اساسی و متمایز را مشاهده کرد: مرحله اول عبارت بود از مرحله اختیاری دیه، که در این مرحله توسل به دیه در ابتدا برای هر دو طرف منازعه (جانی و مجنی علیه) امری اختیاری بود و مجنی علیه و خانواده وی می‌توانستند دیه را که از طرف جانی به آنان پیشنهاد شده بود، نپذیرند و خونخواهی را برگزینند. چنانکه هر گاه به توانایی و نیرومندی خود اطمینان داشتند به عادت دیرینه خود، که همان خونخواهی و انتقام بود، روی می‌آوردند آتش جنگ را بر می‌افروختند.^۱ اما جوامع ابتدایی در بیشتر موارد هم ترجیح می‌دادند تا به جای توسل به انتقام جویی، به پذیرش دیه قانع شوند چرا که انتقام سبب می‌شد تا به خاطر بی ارزش ترین چیزها افراد قبایل به جان هم بیفتند و تا مدت‌ها آتش جنگ میان آنان همچنان شعله ور باشد. در همین راستا، رییس هر قبیله سعی می‌کرد افراد قبیله خود را توجیه نماید تا به جای جنگ افروزی به پذیرش دیه متوسل شوند. مرحله دوم، مرحله اجباری دیه است، از آنجا که گرفتن دیه برای فیصله منازعات قتل در همه حالات نزد جوامع ابتدایی مطلوب نبود و بویژه نزد قبایل عرب لذا عرب جاهلیت در سیر تحول به مرحله دیه اجباری نرسید. مساله دیگر این بود که از نظر این جوامع، گرفتن دیه، نشانه ضعف و ناتوانی قبیله مجنی علیه در برابر قبیله جانی بود.^۲

با اختلاف مراحل تحول جوامع انسانی از طرفی، و با اختلاف طبقات اجتماعی یک جامعه از طرف دیگر، دیه نیز از نظر کمی و کیفی اختلاف پیدا کرد. همچنین تمایلات و گرایشهایی که در عصرهای مختلف در اجتماعات انسانی رایج بود در نوع و میزان دیه اثری شگرف از خود بر جای

۱- عبدالمنعم بدر، میادی القانون الروماني، ص ۴۸۸، به نقل از دکتر عوض احمد ادریس، پیشین، ص ۵۰.

۲- دکتر عوض احمد ادریس، پیشین، ص ۵۰.